

به‌یاد گذرنامه و همراه استایح آنها، همراه متخصصین آنها، همراه علوم و داروهای آنها بصورت يك  
لازم لا ینفك ، میل آسا از دروازه های شرق عبور کرده و در همه جا پراکنده میشود .

غرب زدگی ما و شرقیها و احساس حقارت غلط بی منطقی که در برابر غربیها دارند  
بسرعت بیرونی نفوذ آن نیز یافزاید . مثلاً در نظر سیاستمداران شرقی کلمه « پارلمان »  
از کلمه « مجلس » خیلی سنگین تر و پر شکوه تر است . تجار از کلمه « بورس » خیلی بیش  
از کلمه « مرکز دادوستده لذت میبرند » در دامن مردم کوچک بازار کلمه « مدرن » خیلی بیش  
از کلمه « تازه » مرد میگویند در نظر آنها خیلی نو است در حالی که کلمه « تازه » که معادل  
آنست بیکه مقدار بوی کهنگی میدهد .

در نظر فرهنگها کلمه « کنفرانس » خیلی از کلمه « سخنرانی » عزیز تر است!  
در نظر شما و نویسندگان کلمه « سکس » از « امور جنسی » لطیف تر و عوس انگیز تر است!  
نمودهای فریب در شرق نه تنها از طریق مفردات ، بلکه از طریق سبک جمله بندیهای  
پوسیده روزنامه نگاران و مجله نویسهای کپی بردار از مطبوعات غربی ، و از طریق اشعار  
نویسندگان غلیظ که تراوش طبع عالی و بلند پرواز « نوپردازان غرب زده » است در حال  
توسعه است .

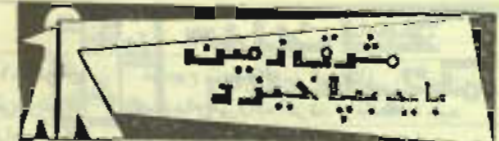
کار باحالی رسیده که گفتگامیکه که کتر برای آراش و تقویت قلب ما مثلاً قلمرو « والریان »  
و من نام لاتینی میدهد قلمرو شفا بخشی است که طبع قلب را آرام و روح را نشاط و اعصاب را  
کاملاً تقویت میکند ، اما اگر روزی با بگوید « والریان » همان « سنبلیله الطیف » خودمانی  
است که نوع تازه و خوب آن درد کانه های عطاری پیدا میشود یک مرتبه تا تأثیرات عمیق طبی آن  
در علم ما سقوط میکند و به آرامشی بقلب میدهد ، نه نشاطی بروح و نه تقویتی باعصاب و یک چیز  
همود که نه بی مسموم خواهد بود!



التهامها سلو که گفته شد ادبیات یک ملت کلید تمام مسائل مربوط به آنهاست ، و نفوذ و  
گسترش یک زبان بیگانه در ادبیات مایل دلیل روشنی بر توسعه نفوذ آنها در همه مشئون زندگی ما خواهد بود  
نفوذی که باین مادی و آسانی ریشه کن نمودن آن ممکن نخواهد شد ، و بدون ریشه کن نمودن  
آنها استقلال کامل میسر نخواهد گردید .

مبادا از این گفتار چنین نتیجه بگیرد که ما میخواهیم بگوئیم شرقیها باید از انبای خارجی  
وایاموزند ، چنانکه این سخن بیدری زنده است که زبان گوینده اش را فوراً میسوزاند ،  
و مفهوم آن اینست که ما بگوئیم باید بدوران و کجاوه و پالکی ، بازگشت نمود .

پس همانطور که ما در بیلهای آنها ، ماشینهای آنها ( نمیدانم چه تعبیری کنم که کلمه  
خارجی باشد ) را سوار میسوزیم و کلی بجان آنها عام میکنیم باید چشممان کور شود ادبیات آنها را که  
بستر له و لوازم یدکی ، این مصنوعات است بپذیریم بلکه اگر احیاناً دچار کمبود الفاظ



ناصر کرام

# توسعه و نفوذ خطر ناک ادبیات غرب

وضع دنیروز ، و امروزه را با هم مقایسه  
کنید و برای افروخته تصمیم بگیرید !

ادبیات غربی امروز به سرعت در شرق و نفوذ و گسترش پیدا میکند و نه تنها اصالت  
ادبیات شرقی را از بین میبرد بلکه تدریجاً آنرا تحت الشعاع خود قرار میدهد و عیبی نیست  
که این نفوذ و گسترش ادبیات غربی بصورت « افتحار آمیزی » از طرف مردم شرق پذیرفته  
می شود .

مثلاً امروز در تمام مدارس شرقی يك زبان خارجی ( سابقاً بیشتر زبان فرانسه و امروز انگلیسی )  
بمیان یک برنامه تعلیمی و ضروری تدریس میگردد ، و اگر گذشته مان تدریجاً چنین احساسی می  
شود که اگر شرقیها اقلایك زبان خارجی بدانند زندگی کردن برای آنها مشکل خواهد شد ،  
فرقی نمیکند در رشته های علمی و صنعتی کار کنند یا تاجر و کاسب و کارگر باشند .

تدریس زبان خارجی ( زبان غربی ) از دبیرستانها که کم بدینستاها و کورگستانها  
سرایت خواهد نمود و همه جا را فرا خواهد گرفت .

ولی بدیهی است در غرب وضع طور دیگری است ، در آنها هرگز احساس ضرورتی  
نسبت به فرا گرفتن زبانهای شرقی نمیشود ، و آنها بدون تحصیل زبانهای شرقی نمیتوانند  
بخورند و زنده بمانند ، تنها کسانی بدنیال زبانهای شرقی میروند که بناست برای خدمت  
در دستگاهها و اعزام شوند .

حالا اینجاست که زبانهای خارجی برای ما شرقیها خیلی شیرین ، با مزه ، آهنگ دار  
و ریاضت ، ولی سلسله برای غربیها که میخواهند زبانهای ما را بیاموزند غالباً دشوار و نامانوس  
و ناراحت کننده است!

البته این طبیعی است که دول فاتح و پیروز ادبیات ، خود را که کلید تمام مسائل علمی ؛  
اقتصادی و سیاسی آنها محسوب میشود بر ملتایی که تحت نفوذ آنها قرار گرفته اند  
تحویل کنند .

شاید کلمه « تحمیل » هم در اینجا صحیح نباشد چنانکه ادبیات غربی بدون احتیاج

شدم بهارچ و سفارش ، دعیم .

به از سخنان گذشته با آنگنان استناد کنید ، منظور ما فقط این بود که اگر روزی روزگاری احتیاج ما بصنایع آنها کم شود و صنایع داخلی ما جای مصنوعات آنها را بگیرد مسلماً بهمان نسبت ، نیاز ما به ادبیات آنها نیز کم خواهد شد و تدوین آنها به «استعمار ادبی» که کلید خیلی چیزهاست پایان داده خواهد شد ؛ پس برای بدست آوردن «استقلال کامل ادبی و فرهنگی» باید «استقلال اقتصادی» تأمین گردد و «استقلال اقتصادی» نیز موهون استقلال فکری است

\*\*\*

پادش بخیر آن روزها که « فرهنگستان » کلماتی آستین بالا زده بود که کلمات اجنبی را ( البته منظور از اجنبی بودن ) از محیط ادبیات فارسی بیرون کند و زبان ادبی ما را فارسی خالص ( به چشمه پادسی سر ) نماید . در حال فرهنگستان با فکر بکر خود و شهرت کارهای مخصوص وسیله تفریح همگان را فراهم کرده بودند ، آردی در همان روزها ، کلمات لاتینی و یونانی را وارد زبان ما میزد ، گو یا این کلمات میخواستند خوال را که بر اثر خروج و کلمات عربی و یونانی آمده بود پر کنند ؛

عربها اینکه کلماتی که از هزار سال پیش وارد زبان ما شده بود پس از این اقامت طولانی هنوز به بیگانه محسوب میشدند کلمات لاتینی که چند روز قبل وارد شده بود روی آنها میدان ، بدلیل اینکه هرگز حساسیتی روی آنها نشان داده نشده .

گواه زنده ای بر گذشته پر افتخار ما

حالا که این بهت میان آمد بدینست بوقت زر گر دهم سری به گذشته تاریخ شرق مخصوصاً کشورهای اسلامی بزنیم ببینیم آیا تا بوه جنس بوده و لغت چنین است ؟ یا مطلب منظور دیگری است ؟

پاک ساله دقیق ما نشان میدهد که در گذشته کاملاً مطلق بکنس امروز بوده است یعنی ادبیات اسلامی و شرق همراه تمدن اسلامی و شرقی در تمام اروپای آنروز نفوذ کرده بود .

از جمله نکات حالی که گواه زنده برای تأثیر عمیق افکار دانشمندان شرق بخصوص مسلمانان در نهضت علمی اروپا میباشد ، وجود اصطلاحات و اسامی فراوان در رشته های مختلف علمی و اقتصادی در زبان لاتینی امروز است که از ریشه عربی گرفته شده و آنروز که این علوم از

و شرق ، در غرب ، انتقال یافت این اصطلاحات هم همراه آنها منتقل گردید و با آنها همه مبارزاتی که برای طرف نفوذ اسلام در غرب شده هنوز این الفاظ بعنوان سند زنده ایما از آن دوران ، موجودیت خود را حفظ کرده است .

در اینجا نوعی مغفولانی از این اصطلاحات را که امروزه در زبانهای لاتینی رایج است با «ریشه اصلی اسلامی» آن از نظر خوانندگان گرامی گذرانده و آنها را بتفکر بیشتر در وضع گذشته ، و امروز ، دعوت میکنیم :

۱ - Alembic (المیکه) که معنی از کلمه « انبیق » گرفته شده و بهمان معنی می- باشد و آن وسیله مخصوصی است که در آزمایشگاههای شیمی بکار میرود - **ویل دوران** مورخ معروف در تاریخ خود مینویسد : انبیق برای نخستین بار وسیله مسلمانان بکار رفت (۱)

۲ - Algebra (الجرأ) یا علم « جبر » که از کلمه عربی « الجبر » گرفته شده است این علم برای نخستین بار بوسیله مسلمانان تدوین گردید .

« آلبرماله » مورخ معروف در تاریخ خود مینویسد : « مسلمانان به ریاضیات و هندسه و جبر و قیاس و علم هیئت و جغرافیا خدمت بزرگی کرده و در طب شهری مهم پدست آوردند (۲)

۳ - Alchemy (الکیمی) که به « Chimistry » یعنی علم ( شیمی ) تبدیل یافته این کلمه عیناً از کلمه « الکیمیاء » گرفته شده ( توجه داشته باشید که حتی « ال » عربی آنها در لاتینی حفاظت شده است )

آلبرماله در تاریخ خود مینویسد : « کیمیاگران عرب ( مسلمانان ) پیشرو شیمی دانان امروز شده میشوند » (۳)

۴ - Cifra (سِفْرا) که بمعنی « صفر » است و از کلمه عربی صفر گرفته شده .

از کارول دوو در یادداشتهای خود دا جع به هیئت و ریاضیات مسلمانان مینویسد : باید دانست که کلمه لاتین Cifra دو معنی دارد گاهی معنی صفر میدهد و گاهی مقصود اعداد است ، هم او مینویسد : که « کلمه « لگاریتم » Logarithm از « الجبر » و صفر آثار است که مقام اعراب ( مسلمانان ) را در بنیان نهادن علم حساب ( و سایر شعب ریاضیات ) و انتشار آن شهود میبازد » (۴)

(۱) ویل دوران جلد ۱۱ صفحه ۱۵۵ (۲) آلبرماله تاریخ قرون وسطی صفحه ۱۳۳

قطع جیبی .

(۳) آلبرماله - تاریخ قرون وسطی صفحه ۱۳۳

(۴) میراث اسلام صفحه ۳۰۳

۵ - Alcohol (الکل) که عیناً از کلمه عربی «الکحول» گرفته شده زیرا الکل طبیعی و صنعتی برای نخستین بار توسط مسلمانان کشف گردید و در عربی امروز نیز بجای الکل همان «الکحول» بکار می‌رود (جالب توجه اینست که با وجود اینکه حرف «ح» الکل در لاتینی الکل تلفظ نمی‌شود معادل آن (حرف h) در نوشتن آن محفوظ است. ویل دورانت مینویسد: نخستین بار داروخانه بوسیله مسلمانان بوجود آمد و نخستین مدرسه دارو سازی را مسلمانان بنیاد کردند (۱)

۶ - Calcium (کلسیم) از ماده عربی «کلس» گرفته شده که عیناً بمعنی «آهک» است.

۷ - Tariff (تاریف) که در انگلیسی بمعنی تعرفه - نرخ و عوارض آمده و در اصل از کلمه «تعریف» گرفته شده و تلفظ لاتینی آنهم تقریباً عین تلفظ عربی آنست.

۸ - Traffic (ترافیک) کریمرز استاد دانشگاه لیدن «ملمعه در یادداشت‌های خود دربارهٔ جغرافیا و بازرگانی مسلمانان» مینویسد: قلموس بازرگانی ما بخوبی مشهود می‌باشد که بیک وقت بازرگانی مسلمانان نفوذ عمیقی در کشورهای بازرگانی کشورهای مسیحی داشته. کلمه Traffic (که در لغت بمعنی آمد و شد و عبور و مرور و حمل و نقل است) محتملاً در اصل از کلمه عربی «تفریق» که بمعنی بخش و جدا شدن است گرفته شده. و کلمه Tariff مسلمانان از کلمه عربی «تعریف» است (۲)

۹ - Magazine (مگازین) - کریمرز در همان یادداشت‌ها مینویسد. این کلمه که بمعنی «مغازه» است مسلمانان کلمه عربی «مخزن» و «مخزن» و «مخزن» و «مخزن» (۳)

در عربی رائج امروز نیز «مخزن» بمعنی «فروشگاه» استعمال میشود و خوشتر ما نیست که ما ایرانیان هنوز «مغازه» را که همان «مخزن» اروپا رفته فرنگی شده است بجای «فروشگاه» بکار می‌بریم.

Almanach (المنهج) که در انگلیسی بمعنی «نقویم و سالنامه» است و از ماده عربی «المنهج» گرفته شده است.

(۱) تاریخ ویل دورانت جلد ۱۱ صفحه ۱۵۷

(۲) میراث اسلام صفحه ۲۰۳

(۳) میراث اسلام صفحه ۲۰۴